

طنز و فکاهی مشروطه در روزنامه آذربایجان

سپیده رشاد اوغانی

جایگاه نشریات طنز در انقلاب مشروطه ایران به عنوان یکی از ارکان مهم اطلاع‌رسانی در این دوره قابل تأمل و بررسی است. در این میان نشریاتی بودند که نقش آنان بیش از دیگر نشریات تأثیرگذار بوده. نگارنده این سطور قصد دارد در مبحثی هر چند کوتاه به معرفی و بررسی یکی از نشریات طنز دوره مشروطه که با نگاهی جدید به موضوعات و وقایع آن دوره بپردازد.

این روزنامه در آغاز مشروطیت ایران تأسیس و اولین روزنامه‌ای است که در تبریز با چاپ سربی انتشار یافته است. در کتاب تاریخ هجده ساله آذربایجان^۱ شرحی راجع به پیدایش و انتشار این روزنامه یاد کرده که بی‌مناسبت نیست عین آنرا اینجا نقل کنیم:

بزرگترین روزنامه تبریز که در این سال پدید آمد روزنامه آذربایجان بود که آقای میرزا حاج آقای بلوری برپا نموده نگارش آنرا بعهده داشت.

منشی اولی علیقلی میرزا صفراء مدیر احتیاج سابق و مکاتبات به اسم (حاج میرزا آقا تبریزی) در هشت صفحه به قطع وزیری با چاپ سربی در مطبعه سربی (ناموس) که متعلق به برادران (زین‌العابدین و حاج میرزا آقا) بوده چاپ و شماره اول آن در ششم محرم‌الحرام ۱۳۲۵ ق منتشر شده است.

نشان «لوگو» روزنامه آذربایجان به خط نسخ و در زیر آن سال ۱۳۲۴ ق و ۱۹۰۶ م و جمله قیمت یک نسخه چهارده شاهی است چاپ و علاوه بر این تصویر دو نفر با لباسهای مخصوص ترسیم شده است. آدرس روزنامه: تبریز تیمچه حسینیه، اداره روزنامه آذربایجان، قیمت اشتراک در تبریز و اطراف آن چهار

آذربایجان

۱۳۲۵ ۱۹۰۶

۴۳



مقرآزاد روزنامه نویسی ایران

تومان، نه ماهه بیست و هشت هزار (۲۸ قران) شش ماهه (۲۲ قران) بیست و دو هزار سه ماهه (۱۲ قران) دوازده هزار یک نسخه چهارده شاهی. اعلانات سطرری پانصد دینار. هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و مقاله افتتاحی که در ستون اول و دوم صفحه دوم نوشته شده بدینقرار است: «رب اشرح صدری امری و یسرلی امری واجل عقدة من لسانی و سهل امری برحمتک یا ارحم الراحمین. پس از مقاله افتتاحی اخبارات (لوان) و سپنستر و نخجوان و همچنین اخبار خارجه (لندن) و اسلامبول و پکن و بعد اخبار شهری ذکر شده است در صفحه آخر روزنامه که به زبان ترکی نوشته شده مشتمل بر مقالات (رویا) و اشعار ترکی به عنوان ملانصرالدین جواب و مقاله حراج یا یغما چاپ شده.

روزنامه آذربایجان اقتباس و تقلید از روزنامه ملانصرالدین بوده و علاوه بر مطالب فکاهی در تمام صفحات دارای تصویر رنگی نظیر تصاویر روزنامه ملانصرالدین است. چنانچه در صفحه چهار و پنج تصویر مجلس مشروطه طلبان و مجمع قیدکشان اهالی خراسان و در صفحه آخر کاریکاتور رنجبر و مباشر رسم شده است. در نمره دوم روزنامه، در صفحه اول، عکس حاج میرزا آقاسی کشیده شده که با دست اشاره به دریای خزر میکند و زیرش نوشته شده است: «این آب شور چه قابلیت دارد که اوقات خود را در این باب صرف نمائیم. بجنهم.» در نمره دوم که در ۱۵ محرم ۱۳۲۵ ق منتشر شده، در عنوان روزنامه (تصویر شیر و خورشید ایستاده) اضافه شده و سرمقاله آن بعنوان (زاری بر بی کسی وطن) به امضای (حاج بابا) است. بعد از سرمقاله اشعاری به زبان ترکی چاپ شده و در صفحات ۴ و ۵ آن کاریکاتور گرگی که در گله افتاده و دو نفر ایستاده آن را تماشا می کند ترسیم گردیده است. در زیر این کاریکاتور نوشته: «اهای، اهائی صاحب رمه گوسفندان را گرگها تلف کردند. لا اله الا الله، هی داد میزنم کسی بمن جواب نمیدهد این شبان خوابیده.» آذربایجان به طور هفتگی چاپ می شده و مجموعاً بیست شماره از آن منتشر شده که شماره اول در تاریخ ۶ محرم و شماره بیستم ۶ شوال ۱۳۲۵ ق بوده است.

رویهمرفته آذربایجان روزنامه مفید و دارای گراور و تصاویر نقیسی است و در مجموعه بیست شماره آن که در کتابخانه مجلس موجود است با ضمیمه روزنامه حشرات الارض همراه است. مندرجات آن عموماً مطالبی است راجع به مشروطیت ایران و گاهی اشعار و مطالب فکاهی در آن دیده می شود. برای نمونه مثلاً می نویسد: «مراغه، امروز شاگردان معلم خانه فال گوی ملتی اجماعاً طاس گذاشته و بعاقبت امور ایران رسیدگی نمودند ظاهراً این شعر درآمد خوش بود از دور آواز دهل. «بهمین مناسبت مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان (ص ۴۰۵) راجع به روزنامه آذربایجان می نویسد: «روزنامه هفتگی بذله سرا منتشر در تبریز با چاپ سربی و صور رنگین هزلی.^{۲۱}»

آذربایجان از تجربه ملانصرالدین پند آموخت و از شماره نخست از تصاویر رنگی و کاریکاتور غافل نماند. به طنز روی آورد و از سلاح طنز در مبارزه با مستبدین بهره ها جست. از کاربرد گسترده شعر مردمی آگاه بود و از این ابزار بهره ها جست، نویسنده تاریخ هیجده سال آذربایجان می نویسد: که شعرهایش به ویژه مجادله اش با ملانصرالدین ورد زبان کودکان و مردم کوچه و بازار بود.

هفته نامه آذربایجان به دلیل بهره گیری از منابعی چون ملانصرالدین و برخورداری از فرهنگ انقلابی و

مردمی و جو انقلابی موجود و زمینه خرد پویا، موضعی مناسب داشت. ارتباط تنگاتنگ جوامع انقلابی ایران با مبارزان برون مرزی، به نوشته‌های آذربایجان رنگ ترقی می‌داد. نفوذ سخن صراف بدانجا کشیده که بچه‌ها شعرهایش را در کوچه و بازار حفظ می‌خواندند.^۳

در سال ۱۳۱۰ ق در اوج اختناق ناصرالدین شاهی نخستین نشریه فکاهی - انتقادی درون مرزی را علیقلی صراف به صورت شب‌نامه در تبریز منتشر کرد به همین علت دکتر باستانی پاریزی وی را پدر مطبوعات فکاهی ایران نامیده است. چون در واقع او بود که در چنان شرایط خفقان‌زائی این گام مهم و خطرناک را برداشت و راه را برای دیگران گشود.

در واقع صراف این چهره درخشان تاریخ معاصر میهنمان با مطالبی طنزآمیز نمونه‌هایی از انتقاد اوضاع را در این شب‌نامه بیان میکرد برای مثال در یک شماره آن نوشته شده: یک قطار شتر در خیابان مرکزی عالی قاپو به گل فرو رفت و از نظر ناپدید شد مدتی بعد از کنار آجی‌چای یک فرسنگی از زیر باطلاق بیرون آمد. علیقلی صراف یک نویسنده دموکرات و بی‌باک بود او از پیشگامان مبارزه در راه آزادی بوده است پس از شب‌نامه‌ها چند روزنامه وزین انتقادی - فکاهی از قبیل احتیاج - و آذربایجان مورد بحث را نیز منتشر کرده است که تک تک آن‌ها مثل چراغی تاریخی مطبوعات آذربایجان را روشن کرده‌اند. علیقلی خان صراف معروف به قلی آقا در سال ۱۳۱۶ ق روزنامه احتیاج را در تبریز منتشر کرد. چون نوشته‌های احتیاج بر محمدعلی میرزا ناخوش و گران آمد فرمان داد تا علیقلی خان صراف را دستگیر کنند و چوب به پایش زنند اما این روزنامه‌نگار آزادیخواه و مبارز مدتی بعد روزنامه اقبال را منتشر کرد.

علاوه بر حاجی بابا امضاهای مستعار متعدد دیگری در روزنامه آذربایجان دیده میشود: بی‌خیال - بوش‌غاز - یک نفر - گلدی گیدر - دیوانه‌روزگار - سرگردان - دکتر مانع‌المله - محاسب‌الدوله - بیچاره - بیچاره ملت - مفلس‌قلی - قره‌نقلی - م. ج. خ.

روزنامه آذربایجان مدت هشت ماه انتشار یافته است.

این جریده وزین که بیشتر نظرات ستارخان سردار ملی را منعکس میکرد، ارگان سردار به شمار میرفت. سردار ملی هنگامی که شماره اول روزنامه آذربایجان را می‌بیند می‌گوید: «امروز عید ملی خلق آذربایجان است و از شدت هیجان اشک در چشمانش حلقه می‌زند.»^۴

حاج میرزا آقا بلوری مدیر آذربایجان، در کنار فعالیت‌های مطبوعاتی و فرهنگی در سایر سنگرها نیز می‌کوشید. او تفنگ به دست، در کنار ستارخان سردار ملی، به مجاهدت مشغول بود و در مأموریت‌های خطیر پا در میان داشت. او در سمت‌های مختلف نمایندگی انجمن ایالتی آذربایجان فرمانداری شهرهای مختلف، شهردار تبریز، ریاست شهربانی تبریز و معاونت والی آذربایجان در روزهای حساس، لیاقت و شایستگی خود را در اداره ارگان‌های مختلف به منصفه ظهور می‌رساند. تا اواخر اسفندماه سال ۱۲۸۷ ش حاج میرزا آقا بلوری به دست رحیم‌خان گرفتار و شکنجه‌ها و لطمات متعددی را متحمل می‌شود بنا به نوشته دکتر ملک‌زاده: «می‌خواستند او را دم توپ بگذارند، ولی از این کار منصرف شدند.»^۵ حاج میرزا آقا بلوری پس از آن که در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی نمی‌تواند از تبریز انتخاب گردد راهی تهران می‌شود و تا پایان



عمرش در این شهر می‌ماند. وی در سال ۱۳۳۳ ش در سن ۹۰ سالگی بدون هیچ عارضه و بیماری در اثر سکته قلبی در می‌گذرد و در گورستان امامزاده عبدالله شهرری به خاک سپرده میشود. در اشعار روزنامه آذربایجان تأثیر میرزا علی‌اکبر صابر و در مطالب غیر منظومش تأثیر جلیل محمد قلی‌زاده دیده میشود.

در این روزنامه شعرای آذربایجان جنوبی مثل خازن و صراف شرکت کرده و با علیقلی صراف همکاری می‌کردند، آنان در شعرهای خود از اشعار انتقادی صابر بزرگ در شکل‌های مختلف استفاده می‌کردند. گهگاه با عنوان «جواب به صابر» سعی می‌کردند با او مشاعر کنند.

آذربایجان به دو زبان آذربایجانی و فارسی منتشر می‌شد، در روزنامه ترجمه فارسی اشعار میرزا علی‌اکبر صابر دیده می‌شود و در تاریخ ترجمه آثار صابر به سایر زبان‌ها شایان توجه است. در روزنامه «وطن یولوندا» که در تبریز منتشر می‌شد درباره این روزنامه چنین نوشته شده است: این روزنامه هم از نظر بدیعی هم از لحاظ سیاسی و هم از این سبب که به زبان ساده خلق نوشته شده به اعتبار و زبان مادری به روزنامه ملانصرالدین نزدیک بود.

کاریکاتوریست هفتگی روزنامه «آذربایجان» حسن محمدزاده بود. که در سال ۱۲۹۰ هـ در خانواده ای هنرمند در تبریز متولد شد. عمومی محمدزاده که از نقاشان سنتی ایران بشمار می‌آید به شیوه نقل روایت‌های تصویری، حماسی و مذهبی پرده کشی می‌کرد. حسن محمدزاده در زمان پیروزی انقلاب مشروطه حدود سی و پنج سال سن داشت و در دوره خود با بسیاری از نشریات آذربایجان همکاری نمود وی در سن ۶۴ سالگی و به سال ۱۳۱۶ در تبریز درگذشت.

و با توجه به اینکه درصد باسوادی در ایران آن روز ناچیز بوده این روزنامه با متن ساده و روان خود و با اشاره به فسادها و کاستی‌های جامعه البته با زبان عامیانه طنز مخاطبین عامه را به خود جذب می‌کرده و جزء یکی از روزنامه‌های موفق آن دوران بوده است.^۶

موجودی این روزنامه‌ها در چهار آرشیو مهم مطبوعات ایران بدین قرار است:

آستان قدس: سال ۱ (۱۳۲۵ق) شماره ۱-۲۰

دانشگاه تهران: سال ۱ (۱۳۲۵ق) شماره ۱-۲ و ۳ و ۶.

کتابخانه ملی: سال ۱ (۱۳۲۵ق) شماره ۱-۲۰.

کتابخانه مجلس: سال ۱ (۱۳۲۵ق) شماره ۱-۲۰،

در زیر، نمونه‌هایی از طنز این روزنامه وزین را به ترتیب انتشار آوریم:

«اسلامبول»

دولت علیه معادل دوازده [دوازده] هزار لیبره از کیسه فتوت خودشان مرحمت نمودند که به جهت مسلمانان روی زمین باسم سلطان یک ناقوسخانه بزرگ بنا نمایند ولی هنوز معلوم نیست که این بنای مقدس در خود اسلامبول خواهد بود یا در طهران.^۸

«اصفهان»

از قراریکه تقویم سالیانه رسماً خبر میدهد که امساله بواسطه کثرت تلگرافهایی بی‌سیم ژاپن که طرف

توجه عموم سیاسیون عالم شده دولت علیه هم در خیال تعمیر یک راه شوسه تحت‌الارض از طهران الی بلوچستان است که بواسطهٔ این راه با دولت ژاپن رسماً سؤال و جواب خواهد کرد.^۹

«حکمت»

(نصیحت) سرّ خود را از هیچ تریاکی و رفقای و افورکش خود پنهان مدار و خواطر جمع مبارکه آنها حالت گفتن بغیر ندارند.

(حکمت) تنبلی را گفتند که این خاصیت عارضی از کی آموختی گفت از محتکران ایران زیرا که من در هر یکسال بحمام نمی‌روم و آنها در هر ده سال یکدفعه گندم نمی‌فروشند.

(حکمت) از عزرائیل پرسیدند که کدام شهر را ندیده‌ای در جواب گفت که شهر تبریز را قدم نگذاشته‌ام زیرا که طیبیان آنجا مرا از این زحمت معاف داشته‌اند.

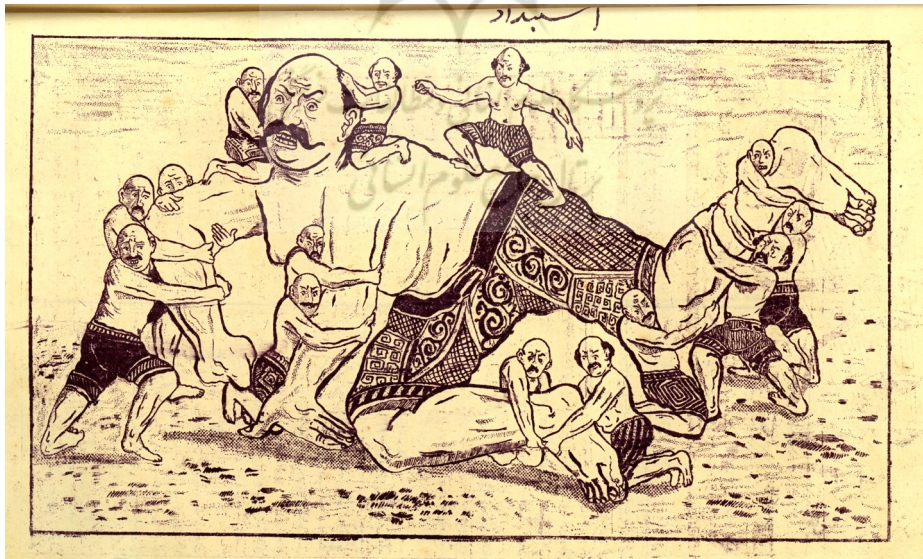
(حکمت) از سرتیپی پرسیدند که از محاربهٔ روس و عثمانی چند سال میگذرد جواب داد که چهار سال گفتند با چه حساب گفت از آن به بعد مرا چهار دفعه مواجب داده‌اند دفترخانه در حساب سهو نمیکنند^{۱۰}

«شیراز»

اینکه شایع شده قوام‌الملک و پسرانش در ضد مشروطه حرکت می‌نمایند دروغ است ولی کسان او قسم خورده‌اند که تا جان در بدن دارند در حوالی شیراز یکنفر از ملت پرستان را بر روی زمین زنده نگه نگذارند نهایت مخارج این زد و خورد هر چه باشد بعهده قوام‌الملک و پسران اوست خداوند توفیق دهد^{۱۱} ان شاءالله قسمتی از یک خبر از کرمان به زبان ترکی

«کرمان»

حکومت طرفدن ایکی یوز بل و یوز دو قسان دانه ایکی باشلی کولونگ مشروطه بناسین خراب ایله مکه



آذربایجان

۱۹۰۴

نمره ۲

قیمت یک نسخه چهارده شاهیست



این آب شور چه قابلیت دارد که اوقات خود را در این باب صرف نمایم بحکم

وقف اولوندی بوشر طبله که یخاندان صونرا دوباره بل و کولنگ حکومتون اوز مالی اولاجاق.^{۳۱}

«تلگرافات»

«اردبیل»

در آنجا بجهت ختم محاربه حیدری و نعمتی عجالتاً بیست روز متارکه و از طرفین سفیری معین شده که در قصبه سراب قرار ختم این خونریزی را بموقع مذاکره گذاشته و بدون مداخله دول متحابه با چند فصل بختام رسانده و طرفین قشون سرحدی را بخواهند.^{۳۲}

«آیلار، از توابع قره‌چهداغ»

حکومت قرار است یکباب دارالفنون و دارالصنایع را با مخارج فوق‌العاده‌ای که خودشان از کیسه فتوت مرحمت خواهند فرمود داده و تلگرافاً چند نفر معلم از محال «اوجار» خواستند.^{۳۳}

«نمین»

نوکرهای جناب صارم السلطنه حاکم طالش که به بستگان عمیدالممالک دست‌درازی کرده بودند حکومت محض آسایش عباد و تشویق سایر اجامر و اوباش حاجی‌خان سرتیپ پیر را به چوب بسته و بعد از احترامات زیاد در حبس‌خانه یک حلقه زنجیر از درجه دویم را با دست خودشان زینت گردن آن پیر خدمتکار نمودند.^{۳۴}

در عموم تریاک‌خانه‌ها و شیرخانه‌ها عملجات دست از کار کشیدند و در پی تحصیل اقتصادی خودشان هنگامه غریبی برپا است بدرجه‌ای که بیست و چهار هزار و هفتصد و یکعدد حقه تریاک از کارافتاده و چهار باب دکان تریاک‌فروشی به غارت رفته و تعطیل جاری است.

به موجب اخبار مؤثقه که از طهران میرسد مقربان حضور اعلیحضرت همایونی در خصوص امضاء قانون اساسی



فکری تازه فرموده و راه فراری اندیشیده‌اند میفرمایند چون مذهب ایرانیان مذهب اسلام است و در طریقه امامیه نایب امام و در حقیقت خلفاء رسول امام [ص] هستند و ایشان را دست ولایت عامه و تصرف در امور مسلمین پس ایشانرا است که قانون اساسی را امضاء و اجازه نمایند و اعلیحضرت نیز تصدیق فرماید و صحه بگذارند.

«تلگرافات»

«طهران»

در عوض خدماتی که قوام الدوله به انجمن شیراز کرده و بدون هیچ حادثه مجلس ملی را بر هم زده بود به لقب شمس‌الملک سرافراز شده و افواه است که هر دو پسر مشارالیه را نشان نصف طلا و نصف نقره از درجه اول با کارد مخصوص او مرحمت خواهد شد.^{۶۱}

«تلگرافات»

«طهران»

جمعی از متمولین شهر معادل پنج‌هزار دینار و سی شاهی در اعانه بانک ملی طهران جمع نموده و با راه‌آهن جدیدیکه از تبریز به طهران ساخته خواهد شد این وجه را عیناً به آنجا خواهند فرستاد. این رای و تدبیر شعبه از همان ... است که در ماه ذی‌حجه بکار میبردند و جناب مخبرالسلطنه از جانب دولت خواهش میکرد که مشروطه را مبدل به مشروعه نمایند و پاره‌ای از ... این اذعان و اشاعه را فوز عظیم دانسته دست‌افشان و پای‌کوبان تصدیق داشتند و عقلاء و دانایان که واقف بر رموز کار بودند بر دادن جواب تنزل نکردند و پرده از روی کار برداشته همین قدر جواب دادند که شما شریعتی تازه نیاورده‌اید و ما همیشه مشروعه بوده‌ایم. این موقع گذشت و امضاء مشروطیت داده شد.



«ارومیه»

اطفال متمولین شهر که در مکاتب پروتستانها تحصیل علم اسلام می‌نمایند امروز در حضور اولیاء ملت امتحان داده و به هر نفری از متعلمین که از بر خوب می‌خواند یک دستگاه پیانو به رسم انعام مرحمت می‌فرمودند.

«مراغه»

شیره‌کش مشهور قربانعلی که از خاک خراسان به عزم سیاحت عازم صفحات بناب بود امروز دو ساعت به غروب مانده وارد مراغه شد و از قهوه‌خانه جبار بییک محض احترام مشارالیه یکصد و بیست و یک حقه تریاک را آتش زدند.

«طهران»

روزنامه یومیۀ احتکار رسماً اعلان نموده اشخاصی که قادر به حفظ پول نقد خودشان نباشند ملک‌التجار قول می‌دهد هر قدری که از طرف ملت به مشارالیه پول نقد و ملک بسپارند مشارالیه به اسم انسانیت قبول کرده و در حفظ او سعی خواهد نمود.
ولی این شرط را هم می‌نماید که صاحب امانت در موقع پس گرفتن باید اقلأ یکهزار و هفتاد سال مهلت بدهد که تهیه شود.^{۷۱}

پی نوشت ها:

- ۱ - تاریخ هجده ساله آذربایجان، احمد کسروی، تهران: قلم مکتون، ۱۳۸۴، ص ۹۶.
- ۲ - صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، (اصفهان: کمال، ۱۳۶۳، ج ۲) ص ۱۰۷ تا ۱۱۰.
- ۳ - سرداری‌نیا، صمد؛ مرکز غیبی تبریز (تبریز: تلاش، ۱۳۶۳)، ص ۱۸۳.
- ۴ - ناظم آخوندوف، آذربایجان طنز روزنامه لری، (بی جا، بی نام، بی تا)، ص ۶۱ و ۶۲.
- ۵ - ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطه ایران. (تهران: کتابخانه سقراط، [۱۳۲۸]، ج ۱)، ص ۱۱۲.
- ۶ - سرداری‌نیا، صمد، تاریخ روزنامه‌ها و مجلات آذربایجان، (تبریز: انتشارات دنیا، ۱۳۶۰).
- ۷ - قاسمی، سید فرید؛ راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار، (تهران: مرکز مطالعات تحقیقات و آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۲).
- ۸ - روزنامه آذربایجان، سال اول (۱۳۲۵ ق)، شماره ۱۷، ص ۶.
- ۹ - روزنامه آذربایجان، سال اول (۱۳۲۵ ق)، شماره ۱۷، ص ۶.
- ۱۰ - روزنامه آذربایجان، سال اول (۱۳۲۵ ق)، شماره ۵، ص ۳.
- ۱۱ - روزنامه آذربایجان، سال اول (۱۳۲۵ ق)، شماره ۱۷، ص ۶.
- ۱۲ - روزنامه آذربایجان، سال اول (۱۳۲۵ ق)، شماره ۵، ص ۷.
- ۱۳ - همان.
- ۱۴ - همان.
- ۱۵ - همان.
- ۱۶ - روزنامه آذربایجان، سال اول (۱۳۲۵ ق)، شماره ۱۲، ص ۷.
- ۱۷ - روزنامه آذربایجان، سال اول (۱۳۲۵ ق)، شماره ۸، ص ۷.